

راه‌های رشد و پیشرفت در قرآن و حدیث (به مناسبت شب‌های قدر)

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی محمدی*

مقدمه

شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، شبی است که احتمال دارد از شب‌های قدر، نزول ملائکه و قرآن باشد: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱. بنا بر این آیات، قرآن در شب قدر «یک‌جا به لوح محفوظ یا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (پیش از بعثت)» فرستاده شده و پس از آن جبریل در مدت بیست و سه سال به تدریج آن را برای پیغمبر آورد. شب قدر نیز بهتر از هزار ماه، و معادل هشتاد و سه سال و چهار ماه است.^۲ این شب که فرشتگان، میهمان و زمینیان، میزبان هستند؛ با شب ضربت خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام نیز همراه شده است. مهم‌ترین سلاح شیطان برای برای انحراف انسان‌ها از راه حق و اولین راه نفوذش در وجود آدمی، غافل کردن است. او می‌کوشد با استفاده از ضعف و گناهی که آدمی مرتکب می‌شود، او را اسیر خود کند؛ اما برخی به واسطه اعمالی که انجام می‌دهند و توجهی که به سوی حق دارند، اسیر و گرفتار وسوسه‌های شیطان نمی‌شوند. این افراد در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه معرفی شده‌اند: «ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ الدَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَ الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَعْفِرُونَ بِالْأَشْحَارِ»^۳. سه گروه از وسوسه‌های شیطان در امان هستند. این سه گروه عبارتند از:

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. قدر: ۱-۳.

۲. علی بن الحسین علیه السلام؛ الصحيفة السجادية؛ ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الإسلام؛ ص ۲۰.

۳. حسین بن محمد تقی نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲، ص ۱۴۷.

۱. «الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ؛ کسانی که خدا را یاد می‌کنند».

۲. «الْبَاكُونَ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ؛ کسانی که از خوف خدا گریانند».

۳. «الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالشَّحَارِ؛ کسانی که در سحرها استغفار می‌کنند».

در سحر شب قدر، این سه مورد با هم جمع می‌شود؛ چرا که شما هم یاد خدا می‌کنید، هم در سحر استغفار می‌کنید و هم اشک می‌ریزید.

رسول خدا ﷺ در روایت دیگری فرمود: «ثَلَاثَةٌ أَصْوَاتٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَوْتُ الدَّيْكِ وَ صَوْتُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَ صَوْتُ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالشَّحَارِ؛^۱ سه صداست که خداوند آن‌ها را دوست دارد: بانگ خروس که باعث بیداری مردم می‌شود؛ صدای قاری قرآن، وقتی قرآن می‌خواند؛ صدای کسی که در سحرها استغفار می‌کند».

در شب قدر این صوت‌ها طنین‌انداز می‌شود؛ هم صدای قرائت قرآن و دعا و هم صدای استغفار. اگر کسی وقت مردم را در شب‌های قدر بیهوده بگیرد، دینی که بابت این کار بر گردنش می‌آید، در هزار ماه ضرب می‌شود؛ چرا که این شب‌ها، مطابق هزار ماه است. بالعکس اگر آدمی از این لحظات برای دعا و نماز و مناجات استفاده کند، در هزار ماه ضرب می‌شود. در روایت معنای بهتر بودن شب قدر از هزار ماه چنین آمده است: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ أَيُّ شَيْءٍ عُنِيَ بِذَلِكَ؟ فَقَالَ: الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا، مِنَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ؛^۲ شب قدر بهتر از هزار ماه است، مقصود از این جمله قرآنی چیست؟ پس فرمود: یعنی عمل شایسته در آن از نماز و زکات و اقسام خیرات بهتر است».

از چنین فرصتی باید در مسیر پیشرفت و رشد استفاده کرد. همه افراد خواستار رشد در زمینه‌های مختلف هستند. برای مثال دوست دارد در حوزه اقتصاد، سرمایه پولی‌اش چند برابر شود. در دیگر زمینه‌ها نیز همین‌گونه است، اما آیا در دین هم رشد کرده‌ایم؟ آیا حضور قلب‌مان در نماز بیشتر شده است؟ آیا نسبت به قبل کمتر گناه کرده‌ایم؟ خداوند می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛^۳ در قبول دین اکراهی نیست؛ زیرا راه درست از راه انحرافی مشخص است».

البته «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» برای فروع دین نیست،

۱. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۳۱۳.

۲. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۱۵۸؛ محمد بن علی صدوق؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ ص ۶۷.

۳. بقره: ۲۵۶.

برای اصل دین است. کسی که اسلام را پذیرفته است، باید نمازش را بخواند، خمس‌اش را بدهد، روزه‌اش را بگیرد و ... «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» مانند این است که برای اثبات خورشید، به زور به مردم بگوییم خورشید داریم. مردم خورشید را می‌بینند، نیازی به گفتن ما نیست. اکراه نبودن در پذیرش دین، از این روست که راه درست از راه انحرافی مشخص شده است.

عوامل رشد دینی

۱. قرآن

اولین عامل از عوامل و نشانه‌های رشد از نظر قرآن و روایات، خود قرآن است. اجنه در مکه خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برایشان قرآن خواند. آن‌ها کمی گوش کردند، سپس گفتند: «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ:»^۱ ما از قرآن آیات عجیبی شنیدیم که به راه خیر و صلاح دعوت می‌کند». بنابراین انس با قرآن، سبب رشد ما می‌شود. قرآن فقط برای خواندن نیست؛ بلکه برای توجه و تدبیر است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ». ^۲ مقام معظم رهبری می‌فرماید: «تلاوت قرآن، مقدمه عمل است، مقدمه معرفت است، مقدمه آشنایی است». ^۳ تاریخ شاهد مثال‌های بسیاری دارد که این آیه، یک جمعیتی را عوض کرده است.

داستان اول

اکثم سیفی، طیب، شاعر و عالم مسیحی در یمن بود. وقتی خبر بعثت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را شنید، دو نفر را برای فهمیدن حقیقت سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مکه فرستاد. آن دو خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و خودشان و هدف‌شان از آمدن را بیان کردند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برایشان این آیه شریفه را خواند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْأَبْغْيِ». ^۴ خداوند در این آیه، همگان را به «عدالت»، «احسان» و «بخشش به خویشاوندان» امر کرده و از «فحشا»، «منکر» و «ظلم» نهی نموده است. وقتی آنان به نزد اکثم بازگشتند و آیه را

۱. جن: ۱ و ۲.

۲. نساء: ۸۲؛ محمد: ۲۴.

۳. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42253>

۴. نحل: ۹۰.

برای او خواندند، او مردم را جمع کرد و گفت: «ای مردم! محمد مردم را به مکارم اخلاق امر می‌کند و آنان را از اخلاق زشت و نکوهیده باز می‌دارد. در این امر پیش قدم باشید و از آخرین کسانی که به او ایمان می‌آورند، نباشید. پیش از این مردم به انتظار او بودند و بعضی اسم فرزندان خود را محمد می‌گذاشتند که شاید خلعت نبوت بر قامت آنان مرتب گردد».^۱

داستان دوم

فضیل، فردی بود که عمری را با راهزنی و سرقت مشغول بود. شبی برای دزدی از دیوار خانه‌ای بالا رفت. صاحب‌خانه داشت قرآن می‌خواند، این آیه را خواند: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ؟»^۲ آیا برای اهل ایمان وقت آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و قرآنی که نازل شده، نرم و فروتن شود؟». همان لحظه پشیمان شد. از دیوار پایین آمد، توبه کرد و سر به بیابان گذاشت. قبیله‌ای را دید که می‌خواستند اموال‌شان را برای فروش ببرند، اما می‌ترسیدند که فضیل، اموال‌شان را سرقت کند. وقتی این حرف را شنید، در حالی که شرمگین و پشیمان بود، به آن‌ها گفت: «خاک بر سر فضیل که شما باید از او بترسید. به خدا او فضیل دیگری شده است». او چنان تغییر کرد که بعدها درس اخلاق می‌گفت. هارون الرشید در درس اخلاقش شرکت می‌کرد و با موعظه‌هایش می‌گریست.^۳

داستان سوم

روزی شخصی به مسجد آمد و به پیامبر ﷺ عرض کرد: «ای پیامبر خدا! به من قرآن بیاموز». حضرت او را به یکی از یارانش سپرد. صحابی، سوره «زلزال» را برایش تلاوت کرد. وقتی به آیه: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» رسید، آن مرد به فکر فرو رفت و از صحابی پرسید: «آیا این جمله از جانب خداست؟». صحابی گفت: «آری». مرد گفت: «بس است! من درس خود را از این آیه گرفتم. اکنون که خدا ریز و درشت کارهای ما را می‌داند و حساب همه اعمال ما را دارد، تکلیفم روشن شد. این جمله برای زندگی من کافی است». پس از این سخن نیز خدا حافظی کرد و رفت.

۱. علی احمدی میانجی؛ مکاتیب الرسول ﷺ؛ ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. حدید: ۱۶.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۲۵۶.

صحابی نزد پیامبر ﷺ برگشت و با تعجب گفت: «عجب مرد کم حوصله‌ای بود» و سخن مرد را برای پیامبر ﷺ بازگو کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «او به مقام فقاہت و شناخت عمیقی که باید برسد، رسید».^۱

گفتمان قرآنی

گفتمان ما در همه عرصه‌ها باید قرآنی باشد. در گفتمان قرآنی، نه اقتصاد دچار ربا می‌شود، نه آمار طلاق در جامعه بالا می‌رود و نه دروغ در جامعه وجود دارد. اگر قرآن می‌فرماید، قرآنی حرف بزنید: «وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»^۲، سخن و گفتار مردم، استوار می‌شود. اگر معامله‌ها قرآنی باشد: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا»^۳، دیگر در جامعه ربا وجود نخواهد داشت. اگر همسران به شیوه قرآنی با یکدیگر زندگی کنند: «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۴، دیگر طلاق و دادگاهی وجود نخواهد داشت. مشکلات امروزه جامعه و زندگی ما، از این روست که از گفتمان قرآن فاصله گرفته‌ایم. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مشکلات کنونی دنیای اسلام از جمله شرایط تأسف بار فلسطین و جنایات رژیم صهیونیستی به‌ویژه در روزهای اخیر، نتیجه دوری امت اسلامی از قرآن است».^۵

۲. دعا

دومین عامل رشد، دعا و گفتگو با خداست: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۶ و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم. پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند».

امام خمینی رحمته الله همیشه در آغاز درس گفتن می‌فرمود: «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ»^۷ خدایا

۱. حسین شاه عبدالعظیمی؛ تفسیر اثنی عشری؛ ج ۱۴، ص ۳۰۸.

۲. احزاب: ۷۰.

۳. بقره: ۲۷۶.

۴. نساء: ۱۹.

۵. بیانات در محفل انس با قرآن کریم؛ ۲۷/۰۲/۱۳۹۷

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=39609>

۶. بقره: ۱۸۶.

۷. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۱، ص ۹۹.

مرا به کمال گسستن [از خلق] و پیوستن به خودت، برسان». از همین رو بود که از هیچ قدرتی ترسی نداشت. ایشان اولین بیانیه سیاسی خود را با این آیه صادر کردند: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّتى وَ فُرَادى: ^۱ بگو: من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می‌دهم [و آن] اینکه دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید». اگر کسی برای خدا کار کند، خسته نمی‌شود و سرزنش، سرزنش‌کنندگان او را از انجام کار باز نمی‌دارد. قبل انقلاب افرادی از تهران، خدمت ایشان آمدند و خواستند امام علیه السلام برای مسجد تازه تأسیس‌شان روحانی بفرستد. امام علیه السلام طلبه جوانی را انتخاب کرد و او را به سه شرط فرستاد: اسمی از امام نبرد، به بانیان مسجد تکیه نکند و برای خدا در آن مسجد فعالیت کند. یکی از برنامه‌های منظم امام علیه السلام، دعا بود؛ به طوری که در ۱۵ سال حضور در نجف، هر شب زیارت جامعه کبیره می‌خواند. وقتی در بیمارستان بستری بود، یک مفاتیح کنار ایشان بود. بعد از رحلت امام علیه السلام مفاتیح را که برداشتند، دیدند دعای عهد را نشانه گذاشته‌اند که مرتب بخوانند. در ماه رمضان، ارتباطشان را با مسئولین قطع می‌کرد و می‌گفت: «من برنامه دعا دارم».

هدف از دعا فقط اجابت نیست؛ بلکه گفتگو با خداست. گاهی انسان هر چه دعا می‌کند، به اجابت نمی‌رسد؛ در حالی که دعا و حرف زدن با خدا، اجابت است. از همین روست که در برخی روایات از ثواب‌های عجیبی در پرونده‌ها سخن به میان آمده است. وقتی فرد علت این ثواب‌ها را جویا می‌شود، می‌گویند: «ثواب آن دعاهایی است که اجابت نشد». در قرآن ۱۶۰ آیه وجود دارد که دعاست؛ مانند «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَّتْ أقدَامُنَا»، ^۲ «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا»، ^۳ «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا»، ^۴ «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا» ^۵ و... دعاهای کوتاه یک خطی که اگر شرایط آن‌ها رعایت شود، سبب رشد و پیشرفت می‌شود.

امام علی علیه السلام درباره ویژگی‌ها و شرایط اجابت دعا می‌فرماید: «إِنَّ لِلدُّعَاءِ أَرْبَعَ خِصَالٍ إِخْلَاصَ

۱. سبأ: ۴۶.

۲. بقره: ۲۵۰: «پروردگارا! پیمان‌شکبایی و استقامت را بر ما بریز و قدم‌های ما را ثابت بدار».

۳. آل عمران: ۸: «پروردگارا! دل‌هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان».

۴. آل عمران: ۱۹۳: «پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم».

۵. فرقان: ۷۴: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده».

السَّرِيْرَةِ وَ إِخْصَارِ النَّيَّةِ وَ مَعْرِفَةِ الْوَسِيْلَةِ وَ الْإِنْصَافِ فِي الْمَسْأَلَةِ؛^۱ دعا چهار ویژگی می‌خواهد: خلوص باطن، نیت کردن، شناخت وسیله و انصاف در درخواست».

۱. ایمان و اخلاص

شرط اول اجابت دعا، ایمان به رحمت بی‌منت‌های ذات احدیت است و اینکه از ناحیه او هیچ منعی از فیض نیست و در رحمت الهی، هیچ‌گاه به روی بنده‌ای بسته نمی‌شود. اگر نقص و قصور است، از ناحیه بنده است. امام زین‌العابدین علیه السلام در دعای معروف ابوحمزه می‌فرماید: بارالها! من جاده‌های طلب را به سوی تو باز و صاف، و آبشخورهای امید به تورا مالا مال می‌بینم. کمک خواستن از فضل و رحمت تو را مجاز، و درهای دعا را به روی آنان که تورا بخوانند و از تو مدد بخواهند، باز و گشاده می‌بینم و به یقین می‌دانم که تو آماده اجابت دعای دعاکنندگان و در کمین پناه دادن به پناه‌خواهندگان هستی و نیز یقین دارم که به پناه بخشندگی تو رفتن و به قضای تو رضا دادن، کمبودی‌های بخل و امساک بخل‌کنندگان و ظلم و تعدی ستمکاران را جبران می‌کند و یقین دارم که آن کس که به سوی تو کوچ کند، راه زیادی تا رسیدن به تو ندارد و یقین دارم چهره تو در پرده نیست، این آمال و اعمال ناشایست بندگان است که حجاب دیده آن‌ها می‌گردد.^۲

۲. جدی بودن نیت

هنگام دعا، از سویی باید واژه‌ها را متناسب با موضوع دعا انتخاب نمود و از سوی دیگر باید بر خواسته و نیت خود جدی بود؛ بدین معنا که تمام وجود آدمی خواستار و طالبِ مضمون دعا و نیت باشد. از همین روست که شهید مطهری رحمته الله می‌گوید:

دعا شرایطی دارد. شرط اولش این است که واقعاً خواستن و طلب در وجود انسان پیدا شود و تمام ذرات وجود انسان مظهر خواستن گردد. واقعاً آنچه می‌خواهد، به صورت یک احتیاج و استدعا و حاجت در آید. فرق است بین خواندن دعا و دعای واقع. تا دل انسان با زبان هماهنگی نداشته باشد، دعای واقعی نیست. باید در دل انسان جدّاً و واقعاً خواست و طلب پیدا شود، حقیقتاً در وجود انسان احتیاج پدید آید که:

هر چه روید از پی محتاج رُست تا بیابد طالبی چیزی که جُست

۱. مسعود بن عیسیٰ ابی‌فراس؛ مجموعه ورام؛ ج ۱، ص ۳۰۲.

۲. علی بن موسی ابن‌طاووس؛ اقبال الأعمال؛ ج ۱، ص ۶۶.

| | |
|---------------------------|---|
| هر که جویا شد بیابد عاقبت | مایه‌اش درد است و اصل مرحمت |
| هر کجا دردی دوا آنجا رود | هر کجا فقری نوا آنجا رود |
| هر کجا مشکل جواب آنجا رود | هر کجا پستی است آب آنجا رود |
| آب کم جو تشنگی آور به دست | تا بجوشد آبت از بالا و پست ^۱ |

۳. شناخت وسیله

سومین شرط اجابت دعا، شناخت وسیله اجابت است. شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: «من در خانه می‌نشینم و دعا می‌کنم تا خدا روزی من را بدهد». حضرت فرمود: «این مرد یکی از سه نفری است که دعایش مستجاب نمی‌شود».^۲

۴. رعایت انصاف در دعا

گاهی آنچه آدمی در دعا، آن را طلب می‌کند؛ سودی برایش ندارد. بنابراین باید در دعا کردن و درخواست از خداوند، جانب انصاف را رعایت کرد. یکی از موارد رعایت انصاف در دعا، نوشتن خطای دیگران به پای دین است. نباید مسائل دینی را به مشکلات گره زد و به خاطر مشکلات دنیوی، دین را کنار گذاشت. با رعایت این شرایط چهارگانه است که دعا باعث رشد و پیشرفت می‌شود.

خدا در آخر سوره توبه، به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که از دشمن نترسد: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»^۳ پس اگر روی برتافتند، بگو خدا مرا بس است؛ هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است». این انقلاب نیز اکنون چهل سال است که با اتکای به خدا و به پشتوانه مردم، بی هیچ هراسی از ابرقدرت‌ها، به مسیر خود ادامه می‌دهد. مقام معظم رهبری می‌فرمود: «وقتی کار بر ما مسئولین نظام سخت می‌شد، خدمت امام می‌رفتیم. نگاه به امام، ما را آرام می‌کرد». امام سجاد علیه السلام نیز می‌فرماید در روز عاشورا وقتی شرایط سخت و پیچیده می‌شد، اصحاب به امام حسین علیه السلام که

۱. مرتضی مطهری؛ بیست گفتار؛ ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۷۷.

۳. توبه: ۱۲۹.

نگاه می‌کردند، آرام می‌شدند.^۱ امام علی علیه السلام نیز می‌فرمود: «كُنَّا إِذَا اخْمَرَ الْأَبَاسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ؛^۲ هنگامی که کارزار سخت می‌شد، ما خود را در پناه رسول‌الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حفظ می‌کردیم و از میان ما، کسی نزدیک‌تر از او به دشمن نبود». رهبر معظم انقلاب می‌فرمود:

در دوران مسئولیت ممتدی که از روزهای اول انقلاب داشتم، بارها به یاد این جمله امیرالمؤمنین علیه السلام می‌افتم که می‌فرماید: «وقتی در جنگ‌ها کار بر ما سخت می‌شد و احساس می‌کردیم که در مقابل حادثه ضعیفیم، به رسول‌خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پناه می‌بردیم». وقتی این جمله امیرالمؤمنین علیه السلام به یادم می‌آمد، می‌دیدم بر وضع ما نیز صادق است.^۳

۳. فکر و اندیشه

فکر کردن، سبب رشد آدمی می‌شود؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحُ الْأَعْمَالِ؛^۴ فکر کن؛ زیرا فکر، راهیابی از گمراهی و اصلاح‌کننده عمل‌هاست». جوانی که گرفتار اعتیاد می‌شود، زندگی‌ای که به جدایی و طلاق منجر می‌شود، فردی که به زندان می‌رود و... ناشی از عمل کردن بدون فکر است.

روزی فردی نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و از حضرت خواست او را موعظه کند. رسول‌خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: «تورا موعظه کنم، عمل هم می‌کنی؟». گفت: «بله». رسول‌خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سه مرتبه از او اعتراف گرفت، آنگاه به او فرمود: «فَإِنِّي أُوصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَ إِنْ يَكُ غَيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ؛^۵ سفارش می‌کنم هر گاه در کاری تصمیم گرفتی، پایان آن را

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۶، ص ۱۵۴: «چون کار بر حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام دشوار شد، همراهانش به او نگرستند و دریافتند که او بر حالی دیگر است؛ زیرا هر چه کار دشوارتر می‌شد، رنگ آنان دگرگون می‌گشت و اندامشان می‌لرزید و ترس دل‌هایشان را فرا می‌گرفت، در حالی که روی حسین علیه السلام و برخی نزدیکانش می‌درخشید و اندامشان آرام می‌گشت و دل‌هایشان قرار می‌گرفت».

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغة؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۵۲۰.

۳. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری؛ ۱۳۶۸/۰۵/۱۲.

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid=1466&npt=9>

۴. علی بن محمد لیبی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۳۳۴.

۵. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۶، ص ۳۳۹.

بنگر. اگر پایانش خیر و نیکی است، انجام بده و اگر گمراهی است، از آن خودداری کن». اغلب مشکلاتی که برای ما به وجود می‌آید، از این روست که ابتدا عمل را انجام می‌دهیم و بعد از خراب شدن، درباره‌اش فکر می‌کنیم. تفکر سازنده، سبب نجات حر بن یزید ریاحی شد. فکر و اندیشه درست و منطقی، بسیاری از شبهات مطرح شده توسط شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی دشمن را حل می‌کند؛ جوان را از تماشای صحنه‌های مبتذل باز می‌دارد و او را به خدا نزدیک‌تر می‌کند.

۴. مشورت

مشورت، اصل مهمی است که اسلام نیز به آن تأکید دارد؛ چنانکه رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَسَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَإِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعُطْبَ»^۱ در مشورت با عاقل خیرخواه، سعادت و برکت و رشد و توفیق از خداست. پس همین که دانای خیرخواه به تو مشورت داد، بر خلاف آن عمل مکن؛ زیرا موجب نابودی تو می‌شود». مشورت، فواید بسیاری دارد که از جمله می‌توان به «بهره‌مندی از اندیشه دیگران»، «استفاده از تأیید و حمایت دیگران»، «جلوگیری از سرزنش دیگران»، «شناسایی افراد صاحب‌نظر و مؤمن»، «رشد فکری مردم»، «پرهیز از استبداد رأی» و «گسترش فرهنگ مشاوره و ایجاد تفاهم» اشاره کرد. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، شهید رمضان، درباره اهمیت مشورت در سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «سِيرَتُهُ الْقَضْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ»^۲ سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، میانه‌روی و سنت او، راهنمایی است».

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ مجموعه ورام؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی؛ اقبال الاعمال؛ چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.

۱. همان، ج ۷۲، ص ۱۰۲.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۱۳۹.

۳. احمدی میانجی، علی؛ مکاتیب الرسول ﷺ؛ چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
۴. امام زین العابدین علیه السلام، ابن حسین بن علی؛ الصحیفة السجادية؛ ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام؛ چاپ دوم، تهران: فقیه، ۱۳۷۶ش.
۵. شاه عبدالعظیمی، حسین؛ تفسیر اثنی عشری؛ چاپ اول، تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۷. صدوق، محمد بن علی؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۸. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق؛ چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۰. لثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. مطهری، مرتضی؛ بیست گفتار؛ چاپ بیستم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ش.
۱۳. نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

سایت

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.